

## رابطه توافق پذیری و شیوه‌های فرزندپروری با رضایت از خانواده در دانشجویان

### The relationship between agreeableness and parenting styles with family satisfaction in students

Sirous Allipour Birgani

سیروس عالی‌پور بیرگانی\*

#### Abstract

Family satisfaction is one of the determinants of mental health and satisfaction in student life. There is a question of whether parenting styles and agreeableness can affect university students' satisfaction with their families. The aim of this study was to evaluate simple and multiple relationships of parenting styles (authoritative motherhood, authoritative fatherhood, authoritarian motherhood, authoritarian fatherhood, permissive motherhood and permissive fatherhood) and agreeableness with family satisfaction in students. The statistical population of this study included all Shahid Chamran university students in Ahvaz. From this population, a total of 162 students were selected by multistage random sampling. The Parental Authority Questionnaire (PAQ), the Neo Personality Questionnaire (NEO-FFI) and the Family Satisfaction Scale (FSS) were used to collect the required data. The results of simple correlation analysis showed that there were significant positive correlations between authoritative motherhood, authoritative fatherhood, permissive motherhood, permissive fatherhood and agreeableness with family satisfaction. Also, the relationships of authoritarian motherhood and authoritarian fatherhood with family satisfaction were negative. The results of regression analysis showed that authoritative motherhood, agreeableness, authoritarian fatherhood and permissive motherhood accounted for

#### چکیده

رضایت از خانواده، یکی از عوامل تعیین کننده‌ی سلامت روان و خشنودی دانشجویان از زندگی است. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که آیا سبک‌های والدینی و توافق پذیری، می‌توانند رضایت از خانواده در دانشجویان را تحت تاثیر قرار دهند؟ هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی روابط ساده و چندگانه‌ی متغیرهای شیوه‌های فرزندپروری (مادری اقتدارگرایانه، پدری اقتدارگرایانه، مادری استبدادگرایانه، پدری استبدادگرایانه، پدری آزادگزارانه و مادری آزادگزارانه) و توافق‌پذیری با رضایت از خانواده در دانشجویان است. این مطالعه از نوع همبستگی بوده و جامعه‌ی پژوهش شامل کلیه‌ی دانشجویان دانشگاه شهیدچمران اهواز بودند که از بین آنها ۱۶۲ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های اقتدار والدینی (PAQ)، پرسشنامه شخصیتی نتو (NEO-FFI) - فرم کوتاه ۶۰ ماده‌ای - و مقیاس رضایت از خانواده (FSS) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی مانند میانگین و انحراف استاندارد و آمار استنباطی نظیر همبستگی ساده و رگرسیون چند متغیری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که مادری مقتدرانه، پدری مقتدرانه، مادری آزادگزارانه، پدری آزادگزارانه و توافق‌پذیری با رضایت از خانواده رابطه‌ی معنادار مثبت و مادری مستبدانه و پدری مستبدانه با رضایت از خانواده رابطه‌ی معنادار منفی دارند. همچنین، رگرسیون گام‌به‌گام نشان داد که از میان کل متغیرهای پیش‌بین، مادری مقتدرانه،

28% of variance of family satisfaction.

**Key words:** parenting styles, agreeableness, family satisfaction

توافق‌پذیری، پدری مستبدانه، و مادری ازادگذارانه در مجموع ۲۸ درصد از واریانس رضایت از خانواده را تبیین می‌کنند.

**واژه‌های کلیدی:** شیوه‌های فرزندپروری، توافق‌پذیری، رضایت از خانواده

### مقدمه

پس از سال‌ها تمرکز بر رویکردهای آسیب‌شناسانه به انسان، تغییراتی اساسی در روان‌شناسی به وجود آمد. رویکرد تازه‌ی روانشناسی، در قرن بیست و یکم با گسترش موضوعاتی چون شادی، فضیلت و بهینه‌سازی کارکردهای بشری ظهور کرد. یکی از حوزه‌های پژوهشی که به ویژه مربوط به این کارکردهای مثبت است، مطالعه‌ی بهداشت ذهنی و از جمله متغیرهایی مثل رضایت از خانواده<sup>۱</sup> است (سولدو و هیوینر، ۲۰۰۴). رضایت از خانواده معرف میزانی است که اعضای خانواده نسبت به یکدیگر و از جمع خانواده احساس شادی و خوشنودی می‌کنند. سه بعد پیوستگی، انعطاف‌پذیری و ارتباط، این مفهوم را تشکیل می‌دهند. فرض اساسی در مورد این متغیر این است که خانواده‌های متعادل از رضایت بیش‌تری برخوردارند. خانواده‌هایی که نمرات بالایی در پیوستگی و انعطاف‌پذیری می‌گیرند در حالت متعادل قرار دارند و سطوح بالاتری از رضایت از خانواده را نشان می‌دهند؛ برعکس خانواده‌هایی که نمرات بالایی در عدم تعادل روی این دو بعد کسب می‌کنند، رضایت از خانواده پایینی دارند. فرض دیگر این است که رضایت از خانواده با روابط خانواده رابطه مثبتی دارد (اولسون و ویلسون، ۱۹۸۲).

بررسی پژوهش‌گر پژوهش حاضر در رابطه با رضایت از خانواده نشان می‌دهد که در رابطه با این متغیر مطالعات قابل توجهی صورت نگرفته است. از آن جایی که رضایت از زندگی نیز ارزیابی فرد از جنبه‌های مختلف زندگی‌اش را توصیف می‌کند، می‌توان از پیشینه‌ی پژوهشی آن در جهت روشن شدن روابط رضایت از خانواده با سایر متغیرها استفاده کرد. یکی از متغیرهای پیش‌بین رضایت از زندگی، شیوه‌های فرزندپروری است (برای مثال، سنکسون، ۲۰۱۲). پژوهش‌ها نشان داد که ابعاد اقتدارگرایی با رضایت از زندگی در جوانان و کودکان ارتباط دارد؛ برای مثال، نتایج یک پژوهش بر روی جوانان هنک-کنگی نشان داد که کیفیت رابطه والد-کودک پیش‌بین قوی از کیفیت روابط با دوستان همسال یا تجارب زندگی است (سالدو و هیوینر، ۲۰۰۴).

روابط والد-کودک بر فعالیت‌های فرزندپروری شامل نظم و نظارت به عنوان بخشی از راهبردهای لازم برای ساختن مهارت‌های شناختی و اجتماعی-عاطفی متمرکزست. فعالیت‌های فرزندپروری، به عنوان شیوه‌های فرزندپروری، به سه نوع تقسیم شده اند (بامریند، ۱۹۷۱ به نقل از اکینسولا، ۲۰۱۱). سبک اقتدارگرایانه<sup>۲</sup> را می‌توان یک شیوه تربیتی روشن و جدی دانست که با گرمی، استدلال،

- 
1. family satisfaction
  2. authoritative parenting style

انعطاف‌پذیری و گفت و شنود کلامی مشخص می‌شود. والدین اقتدارگرا حد و مرزهایی را مشخص می‌کنند و بر اعمال فرزندان نظارت دارند اما در عین حال روابط کلامی خوبی با فرزندان برقرار می‌کنند و والد برای رسیدن به اهداف تربیتی خود از استدلال بهره می‌برد اما رفتار خود را صرفاً بر اساس خواسته‌های کودک تنظیم نمی‌کند. این روش باعث افزایش مسئولیت‌پذیری، استقلال، شایستگی اجتماعی-شناختی و اعتماد به نفس در کودکان می‌شود. والدینی که شیوه‌ی استبدادی<sup>۱</sup> را در پیش می‌گیرند، بسیار کنترل‌کننده هستند و از کودکان انتظار اطاعت بی‌چون و چرا دارند. این سبک با کناره‌گیری و عدم دل بستگی والدین به کودک، فقدان گرمی در روابط و استفاده‌ی والدین از تنبیه برای کنترل رفتار کودک مشخص می‌شود. والد سعی دارد با استانداردهایی کاملاً انتزاعی نگرش و رفتار کودک را تحت کنترل درآورد. در این سبک تعاملی یک‌طرفه بین والد و کودک وجود دارد به طوری که والد به عنوان راهنمایی محسوب می‌شود که کاملاً نگرش‌ها و رفتارهای کودک را تعیین می‌کند و اصلاً تحت تأثیر کودک قرار نمی‌گیرد. والد مستبد استقلال کودک را محدود می‌کند تا اطاعت همه‌جانبه و کامل او را کسب کند (پریشارد، ویلسون و یامینیتز، ۲۰۰۷). سبک آزادگذارانه<sup>۲</sup> یعنی داشتن انتظارات و خواسته‌های بسیار کم از کودک و این باور که کودک خود می‌تواند هدایت‌گر رفتارهای خویش باشد. این والدین از حداقل تنبیه برای کودک استفاده می‌کنند. این والدین ممکن است بسیار گرم و پذیرا یا سهل‌انگار و سربه‌ هوا باشند (بامریند، ۱۹۷۱ به نقل از اکینسولا، ۲۰۱۱). سبک فرزندپروری آزادگذارانه را با تقسیم مساوی قدرت بین والد و کودک تعریف می‌کنند. والد هیچ انتظار و کنترلی بر کودک ندارد و محدودیتی برای او قائل نمی‌شود. والد ممکن است منبعی برای ارضای نیازهای کودک شود ولی مدل رفتاری مناسبی را فراهم نمی‌کند (پریشارد و همکاران، ۲۰۰۷).

پژوهش‌ها به اثرات احساسی-اجتماعی بالقوه‌ای که شیوه‌های فرزندپروری می‌تواند بر افراد داشته باشد، اشاره کرده‌اند. برای مثال، شیوه‌ی اقتدارگرا اثرات سودمندی بر سلامت روانی نوجوانان دارد. بامریند (۱۹۷۱، به نقل از اکینسولا، ۲۰۱۱) این شیوه را به عنوان شیوه‌ای بهینه که برون‌دادهای بهتری را در تربیت فرزندان پیش‌بینی می‌کند، معرفی کرده است. این شیوه بارها با ادراکات مثبت از خود در ارتباط بوده است. والدین دارای این روش تربیتی به صورتی منطقی و با توضیحات و استدلال‌های عقلانی کافی، کودکان خود را با قوانین آشنا می‌کنند. به کودکان خود اجازه می‌دهند تا از خطاهای خود یاد بگیرند و به اندازه‌ی کافی مستقل شوند. والدین ممکن است اعتماد به نفس فرزندان خود را نسبت به آینده تشویق کنند. این والدین عموماً جوانان خود را با نظارت بر موقعیت اجتماعی، دوستان و فعالیت‌هایشان سرپرستی می‌کنند. آنها بدون دخالت و یا محدود کردن، قاطع هستند. روش‌های نظم‌دهی آنها به جای تنبیهی، حمایتی است، که این مورد توسط تحقیقات به عنوان عامل افزایش‌دهنده عزت‌نفس در جوانان شناخته شده است. فرزندان والدین مقتدر، خودمختار، شاد و راضی از والدین‌شان هستند و

- 
1. authoritarian parenting style
  2. permissive parenting style

دارای عزت‌نفس، خودکنترلی، ایمنی، محبوبیت، کنجکاوی، اعتماد و امیدواری هستند و مشکلات رفتاری و عاطفی کمتری را تجربه می‌کنند. آنها قابل اعتمادند و تهدید و خطری برای دیگران ندارند (پریشارد و همکاران، ۲۰۰۷).

از سوی دیگر، ویژگی‌های شخصیت به صفاتی پایدار در خلال زمان اشاره می‌کند که از موقعیتی به موقعیت دیگر تغییر چندانی نکرده و به ماهیت وجودی فرد اشاره دارد. در ابتدای قرن بیستم، زیگموند فروید بر تجارب پنج سال نخست عمر انسان به عنوان پایه ویژگی‌های شخصیتی تأکید داشت، در حالی که پیشگامان نظریه‌ی شخصیتی انسان‌گرا، نظری بر خلاف آن داشتند. این فرآیند با انقلاب سومی در حوزه‌ی شخصیت رو به رو شد. در واقع، نظریه‌ی عاملی شخصیت، به اهمیت تأثیر فرآیند رشد، شرایط متفاوت محیطی در توسعه و رشد ویژگی‌های فردی و انگیزش‌ها و نیازهای روزمره برای بروز ویژگی‌های شخصیتی تأکید دارد (حق شناس، ۱۳۸۵). در زمینه‌ی ارتباط عوامل و ابعاد شخصیت با رضایت از زندگی و سلامت روان پژوهش‌هایی را می‌توان یافت. هرینگر (۱۹۹۸) ابعاد برون-گرایی را با رضایت از زندگی در بین ۱۶۲ دانشجو مطالعه کرد و بین برون‌گرایی و رضایت از زندگی دو بعد گرمی و عواطف مثبت در مورد زنان و قاطعیت و جمع‌گرایی در مورد مردان رابطه یافت. همچنین، به‌طور کلی در سطح جهانی برون‌گرایی و روان‌نژندی دو پیش‌بین از رضایت از زندگی هستند (شیماک، اویشی، فور و فاندرا، ۲۰۱۲). با توجه به این که ویژگی توافقی‌پذیری با خوش‌قلبی، دلسوزی، ساده‌دلی و مؤدب بودن توصیف شده است، می‌توان انتظار داشت که در رابطه با سازگاری و در نتیجه رضایت از خانواده نیز افرادی با چنین خصوصیات تعاملات بهتری با سایر اعضای خانواده داشته‌باشند و در مقابل تحت تأثیر جوی مناسب از روابط خانوادگی و ویژگی توافقی‌پذیری قرار گیرند. با این وصف، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ گویی به این سؤال است که آیا شیوه‌های فرزندپروری و توافقی‌پذیری با رضایت از خانواده در دانشجویان رابطه دارند؟

## روش

### جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

جامعه شامل کلیه‌ی دانشجویان درحال تحصیل دانشگاه شهید چمران اهواز بودند که از بین آنان ۱۶۲ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند. نمونه شامل ۱۱۵ دختر (۷۱ درصد) و ۴۷ پسر (۲۹ درصد) با میانگین سنی ۲۲ سال و از لحاظ مقطع تحصیلی ۸۲٪ کارشناسی، ۱۴٪ کارشناسی ارشد و ۴٪ دکتری بودند. والدین اکثر افراد نمونه، دارای تحصیلات زیردیپلم (۵۲٪ مادران و ۳۸٪ پدران)، اغلب مادران خانه‌دار (۹۰٪) و شغل ۵۱٪ از پدران ایشان آزاد و غیردولتی بود. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است و داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از

نرم‌افزار SPSS<sup>۱</sup> و محاسبه‌ی شاخص‌های آمار توصیفی مانند میانگین و انحراف استاندارد و آمار استنباطی نظیر ضریب همبستگی پیرسون و ضریب رگرسیون چندمتغیری مورد تحلیل قرار گرفتند.

### ابزار سنجش

**پرسشنامه‌ی اقتدار والدینی<sup>۲</sup> (PAQ):** این پرسشنامه توسط بوری (۱۹۹۱) به منظور سنجش سبک‌های فرزندپروری ساخته شده و شامل ارزیابی‌های مجزا از سبک‌های فرزندپروری پدرانه و مادرانه هر کدام با ۳۰ سؤال است که در پژوهش حاضر این دو بخش با هم ادغام شدند. با استفاده از این مقیاس، ادراک افراد از شیوه‌های اقتدارگرایانه، استبدادی و آزادگذارانه برای پدر و مادر به طور جداگانه و با پاسخ به هر یک از سوالات بر اساس یک طیف ۵ درجه‌ای از نوع لیکرت، از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم، محاسبه گردید. هر یک از خرده‌مقیاس‌ها شامل ۱۰ سؤال است. بوری (۱۹۹۱) ضرایب پایایی این پرسشنامه را به روش بازآزمایی ۰/۷۸ برای اقتدارگرایی مادرانه، ۰/۸۱ برای استبدادگرایی مادرانه، ۰/۹۲ برای اقتدارگرایی پدرانه، ۰/۸۵ برای استبدادگرایی پدرانه، ۰/۷۷ برای آزادگذارانی پدرانه و ۰/۸۱ برای آزادگذارانی مادرانه به دست آورد. همچنین، مقادیر آلفای کرونباخ در محاسبه‌ی پایایی پرسشنامه توسط بوری قابل قبول و بالا گزارش شده است. بوری (۱۹۹۱) برای سنجش روایی تفکیکی این مقیاس نشان داد که استبدادگرایی مادرانه با آزادگذارانی مادرانه ( $r = -0/38$ ) و اقتدارگرایی مادرانه ( $r = -0/48$ ) به طور معکوس در ارتباط است. همچنین استبدادگرایی پدرانه با آزادگذارانی پدرانه ( $r = -0/50$ ) و اقتدارگرایی پدرانه ( $r = -0/52$ ) ارتباط معکوس دارد. در این پژوهش آلفای کرونباخ برای آزادگذارانی پدرانه و مادرانه ۰/۵۸، برای پدری مستبد ۰/۷۳، پدری مقتدر ۰/۵۸، مادری مقتدر ۰/۶۲ و مادری مستبد ۰/۴۹ محاسبه شد. در پژوهش مفردنژاد (۱۳۸۹) نیز روایی این پرسشنامه از طریق همبسته کردن هر خرده‌مقیاس آن با یکی از سؤال‌ها که معرف خرده‌مقیاس مورد نظر است، ارزیابی شد. نتایج نشان داد که همبستگی مثبت معنی‌داری بین شیوه‌های فرزندپروری مقتدر با سؤال مورد نظر ۰/۷۰، شیوه فرزندپروری مستبد با سؤال مورد نظر ۰/۶۳ و شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیر با سؤال مورد نظر ۰/۵۳ وجود داشت که همگی در سطح  $p < 0/001$  معنی‌دار بودند.

**پرسشنامه‌ی شخصیتی نئو<sup>۳</sup> (NEO-FFI):** فرم کوتاه: این پرسشنامه یک نسخه‌ی ۶۰ ماده‌ای از NEO-PI-R است که توسط کوستا و مک کری (۱۹۹۲) برای ارزیابی مختصر و سریع‌تر پنج عامل اصلی روان رنجورخویی (N)، برونگرایی (E)، گشودگی به تجربه (O)، توافق‌پذیری (A)، وجدانی بودن (C) طراحی شده است. در این پژوهش از یکی از این خرده‌مقیاس‌ها یعنی توافق‌پذیری استفاده شد. افراد موافق، خوش‌قلب، دلسوز، ساده‌دل و مؤدب، وصف شده‌اند. ماده‌های نئو از صفر تا ۴ نمره‌گذاری می‌شوند و نمره‌ی هر خرده‌مقیاس از جمع نمره‌های فرد در ماده‌های آن به دست می‌آید.

1 Statistical Package for the Social Sciences  
2. The Parental Authority Questionnaire  
3. Neo Personality Questionnaire (Five Factor Inventory)

هر یک از عوامل ۱۲ سوال را مورد پوشش قرار می‌دهد. در کل آزمودنی در هر خرده‌مقیاس نمره‌ای از ۰ تا ۴۸ کسب می‌کند. ثبات درونی مقیاس بر اساس ضرایب آلفای کرونباخ توسط کوستا و مک‌کری (۱۹۹۲) برای توافق‌پذیری ۰/۶۸ به دست آمد. مک‌کری و کاستا در تحقیقی که برای تجدید نظر در پرسشنامه‌ی NEO-FFI بر روی ۱۴۹۲ نفر انجام دادند ضریب همبستگی این آزمون را با آزمون نئو پی‌آی‌آر (NEO-PI-R) برای توافق‌پذیری ۰/۷۸ گزارش کردند (مفردنژاد، ۱۳۹۰). آلفای کرونباخ برای توافق‌پذیری در پژوهش حاضر ۰/۶۳ محاسبه گردید.

**مقیاس رضایت از خانواده<sup>۱</sup> (FSS):** مقیاس ۱۰ ماده‌ای رضایت از خانواده بر اساس مقیاس ۱۴ سؤالی اولسون و ویلسون (۱۹۸۲) ساخته شده‌است. این مقیاس رضایت از جنبه‌های مختلف کارکرد خانواده، شامل صمیمیت خانواده، انعطاف‌پذیری و ارتباطات را می‌سنجد. به سؤالات این پرسشنامه بر اساس یک طیف ۵ درجه‌ای از نوع لیکرت، از ۱ برای کاملاً غیررضایتبخش تا ۵ برای کاملاً رضایت‌بخش نمره داده می‌شود. هر فرد می‌تواند نمره‌ای بین ۱۰ تا ۵۰ دریافت کند. فاین<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۳) در پژوهشی بر روی بیش از ۱۰۰۰ خانواده جهت سنجش اعتبار این پرسشنامه، پایایی آن را به روش همسانی درونی ۰/۹۴ تا ۰/۹۵ و همبستگی آن را با مقیاس رضایت از زندگی، به عنوان روشی برای تعیین روایی، ۰/۴۳ به دست آوردند که در سطح  $p < 0.001$  معنی‌دار است. پایایی این مقیاس در پژوهش حاضر با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ محاسبه شد.

### یافته‌ها

یافته‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار در جدول ۱ گزارش شده‌اند.

جدول ۱

میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار
۱. رضایت از خانواده	۳۱/۲۳	۸/۶۹
۲. مادری مقتدرانه	۳۵/۹۶	۶/۰۲
۳. پدری مقتدرانه	۳۶/۳۹	۸/۸۲
۴. مادری مستبدانه	۲۸/۱۲	۹/۳۹
۵. پدری مستبدانه	۲۸/۰۸	۶/۵۰
۶. مادری آزادگذارانه	۲۶/۶۴	۴/۷۹
۷. پدری آزادگذارانه	۲۶/۷۳	۸/۰۷
۸. توافق‌پذیری	۲۱/۵۴	۵/۷۶

1. Family Satisfaction Scale  
2. Fine

همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، میانگین و انحراف معیار متغیر رضایت از خانواده به ترتیب ۳۱/۲۴ و ۸/۶۹، مادری مقتدرانه به ترتیب ۳۵/۹۶ و ۶/۰۲، پدری مقتدرانه به ترتیب ۳۶/۳۹ و ۸/۸۲، مادری مستبدانه به ترتیب ۲۸/۱۲ و ۹/۳۹، پدری مستبدانه به ترتیب ۲۸/۰۸ و ۶/۵۰، مادری آزادگذارانه به ترتیب ۲۶/۶۴ و ۴/۷۹، پدری آزادگذارانه به ترتیب ۲۶/۷۳ و ۸/۰۷ و توافق‌پذیری به ترتیب ۲۱/۵۴ و ۵/۷۶ می‌باشد.

ضرایب همبستگی ساده بین متغیرهای پیش‌بین، شیوه‌های فرزندپروری (اقتدارگرایی مادر، استبدادگرایی مادر، آزادگذاری مادر، اقتدارگرایی پدر، استبدادگرایی پدر و آزادگذاری پدر)، و توافق‌پذیری با متغیر ملاک، رضایت از خانواده که با روش همبستگی ساده پیرسون محاسبه گردید در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲

ضرایب همبستگی ساده پیرسون بین متغیرهای پیش‌بین و رضایت از زندگی

رضایت از خانواده	متغیرهای پیش‌بین
۰/۲۵۱**	مادری آزادگذارانه
۰/۳۲۷**	مادری مقتدرانه
-۰/۱۸۸*	مادری مستبدانه
۰/۲۶۴**	پدری آزادگذارانه
۰/۲۵۲**	پدری مقتدرانه
-۰/۲۳۴**	پدری مستبدانه
۰/۳۲۲**	توافق‌پذیری

ضرایب در سطح کمتر از ۰/۰۱ (\*\*\*) و ۰/۰۵ (\*) معنادار است.

همان‌گونه که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود ضرایب همبستگی مادری مقتدرانه، پدری مقتدرانه، مادری مستبدانه، پدری مستبدانه، مادری آزادگذارانه، پدری آزادگذارانه و توافق‌پذیری با رضایت از خانواده به ترتیب برابر با ۰/۳۲۷، ۰/۲۵۲، -۰/۱۸۸، -۰/۲۳۴، ۰/۲۵۱، ۰/۲۶۴ و ۰/۳۲۲ است که همگی در سطح  $p < 0.05$  معنی‌دار می‌باشند.

در این پژوهش، برای بررسی همبستگی‌های چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک از روش آماری تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شده است. برای این منظور محاسبات رگرسیون چندگانه با استفاده از روش گام به گام (Stepwise) صورت گرفته است.

جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه متغیرهای پیش‌بین، شیوه‌های فرزندپروری (اقتدارگرایی مادر، استبدادگرایی مادر، آزادگذاری مادر، اقتدارگرایی پدر، استبدادگرایی پدر و آزادگذاری پدر)، و توافق‌پذیری را با رضایت از خانواده نشان می‌دهد.

جدول ۳

نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام چند متغیری رضایت از خانواده و شیوه‌های فرزندپروری و توافق‌پذیری

ضرایب رگرسیون				P	F	R <sup>۲</sup>	R	متغیرهای پیش‌بین
۴	۳	۲	۱					
-	-	-	$\beta = ۰/۳۲۷$ $t = ۴/۶۵$ $P = ۰/۰۰۰۱$	$F = ۲۱/۶۲$	$۰/۱۱$	$۰/۳۳$	مادری مقتدرانه	
-	-	$\beta = ۰/۳۱۸$ $t = ۴/۷۸$ $P = ۰/۰۰۰۱$	$\beta = ۰/۳۲۴$ $t = ۴/۸۷$ $P = ۰/۰۰۰۱$	$F = ۲۳/۵۵$	$۰/۲۱$	$۰/۴۶$	توافق‌پذیری	
-	$\beta = -۰/۱۹۵$ $t = -۲/۹۳۵$ $P = ۰/۰۰۰۴$	$\beta = ۰/۲۸۱$ $t = ۴/۲۴۴$ $P = ۰/۰۰۰۱$	$\beta = ۰/۳۳۲$ $t = ۵/۰۹۵$ $P = ۰/۰۰۰۱$	$F = ۱۹/۲۴$	$۰/۲۴$	$۰/۵۰$	پدري مستبدانه	
$\beta = ۰/۲۰۲$ $t = ۲/۹۹۲$ $P = ۰/۰۰۳$	$\beta = -۰/۱۹۷$ $t = -۳/۰۳۴$ $P = ۰/۰۰۳$	$\beta = ۰/۳۰۰$ $t = ۴/۵۹۹$ $P = ۰/۰۰۰۱$	$\beta = ۰/۲۶۹$ $t = ۳/۹۹۷$ $P = ۰/۰۰۰۱$	$F = ۱۷/۳۲$	$۰/۲۸$	$۰/۵۳$	مادری آزادگذارانه	

با توجه به مندرجات جدول ۳ و با استفاده از روش رگرسیون گام به گام مشاهده می‌شود که از بین متغیرهای پیش‌بین متغیرهای مادری مقتدرانه ( $\beta = ۰/۳۲۷$  و  $p < ۰/۰۰۰۱$ )، توافق‌پذیری ( $\beta = ۰/۳۱۸$  و  $p < ۰/۰۰۰۱$ )، پدري مستبدانه ( $\beta = -۰/۱۹۵$  و  $p < ۰/۰۰۰۴$ )، و مادری آزادگذارانه ( $\beta = ۰/۲۰۲$  و  $p < ۰/۰۰۳$ ) توانایی پیش‌بینی رضایت از خانواده را دارند. به‌طور کلی مجموع متغیرهای پیش‌بین با رضایت از خانواده همبستگی چندگانه  $۰/۵۳$  دارند که حدود ۲۸ درصد واریانس از رضایت از خانواده را تبیین می‌کند. با توجه به مقادیر ضرایب رگرسیونی ( $\beta$ ) از لحاظ توان پیش‌بینی، مادری مقتدرانه ( $\beta = ۰/۳۲۷$  و  $p < ۰/۰۰۰۱$ ) توانایی بیش‌تری برای پیش‌بینی رضایت از خانواده دارد.

### بحث

نتایج این پژوهش نشان داد که شیوه تربیتی والدین عامل اثرگذاری بر احساس رضایت افراد خانواده نسبت به همدیگر و سیستم خانواده است. هرچه این شیوه مستبدانه‌تر باشد، افراد احساس نارضایتی بیش‌تری را تجربه می‌کنند. همچنین در این پژوهش، رابطه‌ی ویژگی توافق‌پذیری نیز با رضایت از خانواده سنجش شد. این ویژگی معرف خلق باز و پذیرای افراد نسبت به دیگر اعضای جامعه و از آن



جمله اعضای خانواده خود است. نتایج نشان داد که افراد توافق‌پذیر با احتمال بیش‌تری رضایت از خانواده را تجربه می‌کنند.

در پژوهش‌های گذشته نیز نشان داده شده که شیوه‌های تربیتی والدین با ادراکات و احساسات فرزندان از خانواده خود و جامعه رابطه دارد. در فرزندان هر دو تیپ آزادگذارانه و اقتدارگرایانه، ادراک مثبتی از شیوه تربیتی والدین‌شان، تعاملات مثبت با والدین و تغییرات مثبت در رابطه با پدر و مادرشان، وجود دارد. بر عکس شیوه استبدادگرانه با رفتار ناشایسته اجتماعی نوجوان در رابطه است. کودکان تحت چنین تربیتی تمایل دارند که یا مسائل را در خود بریزند و کناره‌گیری کنند یا به دیگران تهاجم کنند. این‌ها نوجوانان ناسازگاری هستند که یا از اعتماد به نفس پایین رنج می‌برند و یا برعکس برای دیگران قلدری می‌کنند و حقوق دیگران را نادیده می‌گیرند، همان‌طور که حقوق خودشان نادیده گرفته شده بود. کودکان والدین استبدادی تمایلات افراط‌گرایانه بیش‌تری، نسبت به فرزندان پدر و مادرهای غیراستبدادی دارند. والدین خودکامه تمایل به پرورش دختران وابسته، پسران تهاجمی، کودکان ناراضی و با انگیزه بیرونی دارند. وقتی پدر و مادر با احساس خصومت، خشم، رنجش و یا دشمنی رفتار می‌کنند، کودکان تهاجمی شده، خشم را به روش‌های مختلف نشان می‌دهند و مشکلات رفتاری بیش‌تری دارند. آنها خشمگین، غیر مسئول، با عزت نفس پایین و جهان بینی منفی هستند. به دلیل آسیب‌های روانی، این نوجوانان اغلب استقلال دفاعی دارند. آنها از والدین‌شان بیزار و نسبت به آنها کینه‌توز می‌شوند (پریشارد و همکاران، ۲۰۰۷).

سولودو و هومبر (۲۰۰۴) نیز رضایت از زندگی را در رابطه با شیوه فرزندپروری اقتدارگرایانه با هدف بررسی اثر عوامل محیطی روی یک نمونه ۱۲۰۱ از دانش‌آموزان دبیرستانی سنجیدند. نتایج نشان داد که رابطه معنی‌دار و مثبتی میان ابعاد مختلف والدینی اقتدارگرایانه و رضایت از زندگی وجود دارد. همین‌طور در تأیید پژوهشی اثر عوامل شخصیتی بر سلامت روان افراد، سواگلر و جام (۲۰۰۵) نشان دادند که سازگاری روانی بالا با توافق‌پذیری در ارتباط است. هم‌چنین فرام (۲۰۰۶) اثر تعدادی متغیر را بر رفتار مصرف‌الکل و سازگاری عاطفی کودکان، نوجوانان و جوانان بررسی کرده و نشان داده است که جنسیت، ویژگی‌های شخصیتی، رفتارهای والدین، عوامل انگیزشی و خصوصیات محیطی بر سازگاری عاطفی این گروه‌ها تأثیر دارد.

### نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش می‌توانند به شناخت بهتر عوامل ایجادکننده رضایت از خانواده در دانشجویان و همبسته‌های آن کمک کنند. نتایج تحقیق حاضر می‌تواند مبنای تجربی مناسبی برای

تدوین برنامه‌های آموزشی در چارچوب روابط والدین و فرزندان و برنامه‌های درمانی مبتنی بر تقویت روابط عاطفی والدین و فرزندان قرار گیرد. گرچه، اشاره به برخی پژوهش‌ها و استناد به منطق نظری، نتایج حاصل از این مقاله را تأیید می‌کند، پی‌گیری و بررسی دقیق عوامل شخصیتی و محیطی مؤثر دیگر و تعامل آن‌ها با ویژگی‌های جمعیتی مثل جنسیت و ترتیب تولد می‌تواند به غنی‌سازی دانش ما از خانواده و نیازهای منحصر به فرد اعضای آن یاری‌رسان باشد.

### منابع

- حق شناس، حسن (۱۳۸۵). طرح پنج عاملی ویژگی‌های شخصیت: راهنمای تفسیر و هنجارها. انتشارات دانشگاه علوم پزشکی شیراز.
- مفردنژاد، ناهید (۱۳۹۰). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی با خود ناتوان سازی تحصیلی و مقایسه شیوه‌های فرزند پروری از لحاظ متغیر اخیر در دانش آموزان سال سوم دبیرستانهای شهرستان بهبهان در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهیدچمران اهواز.

- Akinsola, E. F. (2011). Relationship between parenting style, family type, personality dispositions and academic achievement of young people in Nigeria. *Ife Center for Psychological Studies & Services*.
- Buri, J. R. (1991). Parental Authority Questionnaire. *Journal of Personality Assessment*, 57(1), 110-119.
- Cenkseven, F. (2012). Parenting styles and life satisfaction of Turkish adolescents. *Educational Research and Reviews*, 7(26), 577-584.

- Cornelius-White, J. H. D., Garza, A. C. & Hoey, A. T. (2004). Personality, family satisfaction, and demographic factors that help Mexican American students succeed academically. *Journal of Hispanic Higher Education*, 3, 3270-283.
- Costa, P. T., & McCrae, R. (1992). Revised NEO personality Inventory: NEO-PI and NEO five factor Inventory. Odessa, FL: *Psychological Assessment Resources*.
- Dyson, R., & Renk, K. (2006). Freshmen adaptation to university life: Depressive symptoms, stress, and coping. *Journal of Clinical Psychology*, 62, 1231–1244.
- Fromme, K. (2006). Parenting and Other Influences on the alcohol use and emotional adjustment of children, adolescents, and emerging adults. *Psychology of Addictive Behaviors*, 20, 2, 138-139.
- Herringer, L. G. (1998). Facets of extraversion related to life satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 24(5), 731–733.
- LoBello, S. G., Underhill, A. T., Valentine, P. V., Stroud, T. P., Bartolucci, A. A. & Fine, P. R. (2003). Social integration, life and family satisfaction in survivors of injury at five years post-injury. *Journal of Rehabilitation Research and Development*, 40(4), 293–99.
- Olson, D. H. & Wilson, M. (1982). *Family satisfaction*. In Olson, D.H. & Colleagues. *Families: What makes them work*. Newbury Park, CA: Sage Publishing.
- Pritchard, M. E., Wilson G. S. & Yamnitz, B. (2007). A longitudinal panel study: What predicts adjustment among college students? *Journal of American College Health*, 56, 15-21.
- Schimmack, U., Oishi, S., Furr, R. M., & Funder, D. C. (2012). Personality and life satisfaction: A facet-level analysis. *Society for Personality and Social Psychology*, 30, 1062-1075.
- Suldo, S., Huebner, E. S. (2004). The role of life satisfaction in the relationship between authoritative parenting dimensions and

adolescent problem behavior. *Social Indicators Research* 66,165–195.

Swagler, M. A., Jome, L. M. (2005). The effects of personality and acculturation on the adjustment of North American Sojourners in Taiwan. *Journal of Counseling Psychology*, Volume 52, 527-536.